

METALEXPORT

موسسه مصال اکپریت استان - ورشو صندوق پست ۴۴۲

بدینوسیله مقتصر آعلام میدارد که ناینده این مؤسسه آنایی است. استالینسکی اکون در تهران اقامه داشته و حاضر است بازگشان ایرانی که در شهرهای زیر کار میکنند ملاقات کند؛ ایرانیان از این ملاقات کنند.

آنچه مختلف ابزار ماشین
ماشین های عمل آوردن چوب
ماشین های فلز کاری
ماشین های نابجی
ماشین های ساختنی و معدنی
تلبه های کبریت آزمکر

آنچه داشته ای از قبیل بیل - کلناک - میخ - سیم و غیره
خواهشمند است قبله بوسیله تلفن شماره ۴۳۶۴۶ و عده ملاقات

تعیین نماید.
شانسی - کوهه صباح اذخیابان فرانسه شماره ۳۹۹ آیره بازگشان
سفارت لهستان ۱۴۸۴ -

۵-۱

جناب آقای دکتر جهانشاه صالح و فریز محترم بهادری کشور

رو نوشت روزنامه اطلاعات - رو نوشت جناب آقای دکتر

هیئت
اینجانب حسین امیری کارمند معدن زیرآب برادرزاده ای دارم بنام
رحمت امیری که مدت چندسال است بمریضی قلب دچار و تا آنچنانکه مقدور
بود مشاوره ای راجه معاشر بیمارستان های مازندران برده است توجه ای نکردم
تا اینکه مریض نایبرده دارم و باشحال باشند و آن نیروی
اشاغی را که در نهاد اطفال موجود است
و باعث شیطنت های عجیب و غریب میشود
در این راه خوب و منظر مصرف کنند.
«استکبار خانگی» که اغلب در حیاط
بشت خانه بازی میشود برای والدین
چندان خوش ندارد ولی در عوش فرست
فوق العاده خوبی است برای حفظ
سلامت نفس اطفال و کمک است برای
پیشرفت ذهنی اجتماعی و داده ای
است برای جوانان در امور و روزشی
و تفریحی.

بدینوسیله اذوات محترمیکه ببنایت در ندشت جوان ناکام رسید
جوادیان نسبت باینجانب چه از خود در مجلس سوکواری و چه و سیله تلکراف

و روزنامه و کتاب اظهایه دردی فرمودند مخصوصاً از رسانه محترم دوایر
دولتی و آقایان شهرستان سمنان و سرکسر نهایت امتحان را دارم سلامتی همکی
را از خداوند منان خواهانم

سنگسر حاجی جوادیان

۱۵۸۸

هیئت ایران
روزهای دوشهی چهارشنبه. جمهه یادداشت های زیارت جیب رئیس
جمهور سابق مصر آخرين اخبار پشت برد داخلي همتوین تفسیر های خارجی
فعالیت های واسوس آلمانی دارایان؛ بهترین اشعار مخصوصاً در شاهزاده امیر
یاک بخت مفصل داجع باطیه کشود را در روزنامه پیک ایران مطالعه
فرمایند.

بدینوسیله اذوات محترمیکه ببنایت در ندشت جوان ناکام رسید
درآورده که مورد استقبال بینظیر تمام

شکارچیان دنیا واقع نده و دهان
ماهیان اول انتشار تجدید طبع شد.

ابر تو عقد دارد که همترین نفریج
و ورزش دردیبا شکار مار نیز
دوشی اخراج کرده که روزه؛ میتوان

یش از ده مار شکار کند و کنایی در
مههار و پانصد صفحه راجع بروشان
کو ناکون شکار خزندگان بر شرط تجرب

درآورده که مورد استقبال بینظیر تمام
شکارچیان دنیا واقع نده و دهان

ماهیان اول انتشار تجدید طبع شد.

ابر تو عقد دارد که همترین نفریج
و ورزش دردیبا شکار مار نیز

دوشی اخراج کرده که روزه؛ میتوان

یش از ده مار شکار کند و کنایی در
مههار و پانصد صفحه راجع بروشان
کو ناکون شکار خزندگان بر شرط تجرب

درآورده که مورد استقبال بینظیر تمام
شکارچیان دنیا واقع نده و دهان

ماهیان اول انتشار تجدید طبع شد.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی
درست کد بدین معنی که صفحه ای
از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند
و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام
خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض
میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

آتفاق قرار میکند.

این مهدی دیکر آلمانی بنام

برای شهای خود چراغ خواب مخفی

درست کد بدین معنی که صفحه ای

از داروی مخصوصاً ساخته که

آن روزها در مقابل این شکار مار نیز

میدهد، صفحه مذکور اش این اتفاق را

جذب کرده و واردیک دستگاه کوچک میکند

و آن دستگاه از روی آن اتفاق را تبدیل به

جزیره بزرگ میکند و شب در هنگام

خواب از بر قی که در باطن خود شده

لامب کوچک چراغ خواب را در عرض

میکند و باز از فردا صفحه را در مقابل

ولگرد

از: دکتر خسرو بسطی

نزاع و کنکاری و هرمه کوش مناظری را
عادی نزدیکی آنان را تشکیل خواهد
داد.

بازیابی داخل جزایر زندگی در این
مناطق این را تکریه کردند.

کوچه های و لکر خیابانها و کوچه ها
دقت کنید یعنی دون اخراج در هر کوچه
خیام چند دنگر چیزی نمی خورد.

بررسی و برهنه و گفته «وول» میزند
نمی بینیست و محبت و صفا و یگانگی در آن
بیشتر نیز است. در حالیکه طفل در وله

اول از بدر و مادر هیچ نیغواهی جز
محبت و اطمینان هیچ خبری است شاید
خاطر هویت از طلبه را فراهم نمی سازد

جز اینکه اطیان کامل داشته باشد که
ید و مادر از اخراج اورا حقیقت دوستدارند
که در اینجا مطمئن باشد که او هم یکی از
اعضای آن خانواده است این اطفال

که در کوچه و خیابان مشغول عمل نان
شایسته بینند اطفال چنین خانواده ها
هستند که نه اخراج از پدر و مادر از این

و اطمینان خاطر نمی بینند بلکه بر مکن
دوست و تفاوت دعوا و مرافقه بدبود کوئی
و بدشونی یکی بزدیزی بر نامه و روزانه

آن است. طفلی که داتا در منزل
(دش) پاله و مطریش ناله اشکش
شار بگیر کباب است طفلی که

شنده یک جرمه محبت است وقتی از در
و مادرش محبت ندیده بیکند بینند

منحرف نمی شود اسas اصراف این
اطفال که جوانان آن هستند از اینجا
سرچشیده بگیرد بجهه منحرف نمی شود

پکدام طرف پهلو طرفی که بیو محبت
است شمام کند این اطفال از معیط خانه
نبوه اند خانه نوی ای از وطن طفل

است اعضای خانه نوی ای از اجتماع
طفل و پدر و مادر میان و مملوکین او لیه
اطفال هستند.

بکردن آن پدران و مادرانی که
که حتی یکروزه بکر بدهد اشت خانه
و میز و بهداشت معیط خود و اطفالشان
نبوه اند خانه نوی ای از وطن طفل

است اعضای خانه نوی ای از اجتماع
یا زنده بکرند بدانان همسایه کار و
شیادان و بدلا خلاقان میافتند بجای نوع

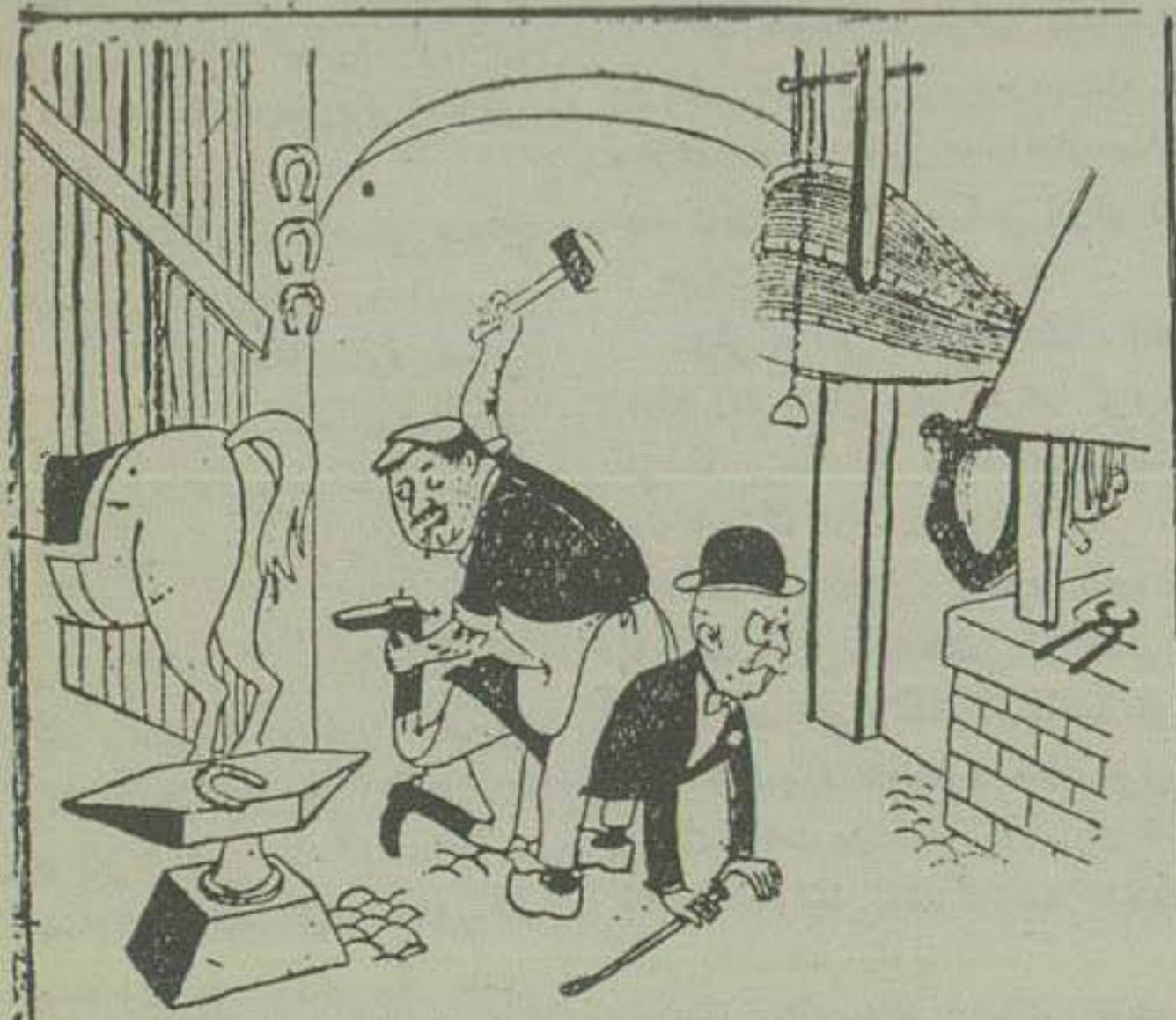
دوستی آدم کشی و چنایت بجای صفت و
دلبخش و ناسزا لوازم مائین ای
ماشین سازی دزدی وطن برست و طوفروشی
می آموزند ولی بازگاه بکردن چه کسانی

است؟

بکردن آن پدران و مادرانی که
که حتی یکروزه بکر بدهد اشت خانه را

معیط و بهداشت معیط خود و اطفالشان
نبوه اند خانه نوی ای از وطن طفل

است اعضای خانه نوی ای از اجتماع
طفل و پدر و مادر میان و مملوکین او لیه
اطفال هستند.



نعلبند کم حواس

حصانی فریاد زد:

- پس بکاره بروم باید لباس را عوض کنم.
اما کروهبان زاندارمی صورت من نگاه نمی کرد - پا بر زمین کویدم:

- مرانگاه کنید، شناسالیست مردم اینستادیم. می دانید که خانه من آنچاست.
- اشتباه کردم، والاحضرت داد خانه مارشال برنداد اشتباه میکردم
مرا نگاه نمی کرد در چشمهاش برق بدی دیده میشد

- بیخیش اشتباه کرده بود. والاحضرت همان خانی هستند که باید از تار
بدیر این کنید.

بعد غریاد کشید.

- زاده را برای پرنس سوگد باز کنید!

عبور از میان دو صد زاندارمها برایم شکنجه ای بود. باهایم مثل سرب
ستکنی میکرد. اما دیدم در خانه هم منتظر بودند وقتی نزدیک خانه رسیدم
در کاملا باز شد ماری باز و ماری دار گرفت.

- عجله کن، عجله کن، بیساعت دیگر تزار اینجا میاید!
بی بر باچوب پل های خود جلوی در اطاق در بان ایستاده بود. گفتم را
بطرف او اندام.

- بکاره کارم راه افتدان. لاقل موتنا
لئی دامن پیغور خود را باطاق نتوالت رساتم. ماری لاسمرا باعجله اذتنم
در آور و پیک لاس خانه روی شاههایم انداخت. ایوت شروع به برس دن
موهایم کرد. از قرط خشکی چشیده بست.

- اینرا بخورد

ماری یک کیاس کنیک در دست کذاشت.

- نمیتوانم، ماری، من هیجوت کنیک نمی خوردم.

- بخورد

کیلاس را کفرم دستهایم میلزد، معمولاً کنیک حالمرا بهم میزند. اما

لاجره آنرا سر کشیدم. تا نه معده ام سوخت. ماری برسید:

سوزمیر، آفتاب تابان

بسروراهی شرق و غرب

«توکو» شهر تنافقات دنیا

او را بیان نتیجه رسیدند که دکمه لباس

میهند: میگشند که دکمه لباس این اتفاق است و بعد که

یک دسته چراغ و لوازم مایه ای که بالای

سواری کنار خیابان را میزدند. دست

و برای کسی که این تساوی را بفرمود

دیگر چیز ببری میکنند. دست یکی بقای

مشغول و درسوی دیگر ساخته ای شدیدی فاصل

شدن.

شکست ڈین در جنگ اخیر، آثار

سباری در کوش و کنار ملکت اخوند

باقی گذاشت شهابستگاههای توپیل

و جرم غیر مجامیش بینظیر است.

«توکو» کوش مردم را آزار میدهد - و لی

ناکفته اینهاست که باید دنیا آتیه

دشتهای اینهاست که دکمه لباس اینهاست

دشتهای اینهاست که دکمه لباس

